



اصغر قنور

دانشمند فرمانده

برای شما دوست عزیزم تعریف کنم! یکی از آن حرف‌های مهم، حرف‌زدن در مورد آدم‌های بزرگ و تأثیرگذار است؛ مثل همین شهید دکتر مصطفی چمران! باور کنید زندگی این آدم آن قدر پرفراز و نشیب است که نمی‌شود به سادگی از کنارش گذشت و مختصر در موردش حرف زد! همین باعث می‌شود من هم مثل خیلی‌ها دچار نگرانی بشوم.

شاید برای همه ما پیش آمده باشد وقتی می‌خواهیم خیلی مفصل و کامل در مورد کسی یا چیزی حرف بزنیم، دچار نگرانی یا یک جورهایی وسواس ذهنی بشویم. چرا؟ چون نگرانی‌ها نتوانیم آن چیزهای مهمی را که قرار است بگوییم، بگوئیم. می‌بینید؟ کلمه «بگوئیم» دوبار تکرار شد. این یعنی من هم الان نگرانم که نتوانم آن چیزی را که دارم به آن فکر می‌کنم، کامل و جامع

اما چاره‌ای نیست! وقتی قرار است در یک یا دو صفحه در مورد کسی حرف بزنیم که پرداختن به زندگی‌اش به صدها ورق کتاب نیاز دارد، باید به مهم‌ترین، خیلی خیلی مهم‌ترین بخش‌های زندگی‌اش بپردازیم. اول از همه این را بگویم، شهید مصطفی چمران یک آدم ویژه است. چون علم، دانش و نبوغش را از همان دوران نوجوانی و جوانی برای رفاه و آسایش انسان‌های دیگر در نظر گرفته بود. باید بدانید، شهید دکتر مصطفی چمران در سال ۱۳۱۱ خورشیدی در خیابان پانزده خرداد تهران، بازار آهنگرها و محله سرپولک به دنیا آمد. او فرزند **حسن چمران ساوهای** بود که از روستای چمران ساوه به تهران مهاجرت کرد.

شهید مصطفی چمران تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه انتصابیه، نزدیک پامنار (تهران) گذراند و دوران متوسطه را در مدرسه‌های دارالفنون و البرز طی کرد. سال ۱۳۳۲ بود که با رتبه ۱۵ در رشته الکترومکانیک دانشکده فنی دانشگاه تهران پذیرفته شد. مصطفی در تمام دوران تحصیل همیشه جزو شاگردان ممتاز بود. او سپس با دریافت کمک هزینه تحصیلی به خارج از کشور رفت و درجه کارشناسی ارشد را در رشته مهندسی برق کسب کرد.

بعد از آن برای گرفتن درجه دکترا در رشته «فیزیک پلاسما» به دانشگاه برکلی ایالت کالیفرنیا رفت. در آن جا بود که پایان‌نامه تحصیلی‌اش مورد توجه قرار گرفت. یعنی این پایان‌نامه که در مورد فیزیک پلاسما بود، مثل یک کتاب علمی خیلی مهم مورد توجه قرار گرفت. مدتی بعد به خاطر نبوغش، در دو آزمایشگاه فنی «بل» و «پیشرفته جت» در ناسا استخدام شد. مصطفی علاوه بر زبان فارسی، به زبان‌های عربی، ترکی، فرانسوی و آلمانی هم مسلط بود. در هنر هم حرف‌های زیادی برای گفتن داشت.

حالا اگر یک کم به سال‌های نوجوانی او برگردیم، می‌بینیم در پانزده سالگی در جلسات تفسیر قرآن شرکت می‌کند. کمی که بزرگ‌تر می‌شود، در جلسات درس فلسفه و منطق هم حضور پیدا می‌کند؛ همان جلساتی که آن سال‌ها استاد **شهید مرتضی مطهری** برگزار و تدریس می‌کرد. دوران دانشجویی او در تهران هم‌زمان می‌شود با اتفاقات سیاسی و زمزمه‌های ظلم‌ستیزی علیه رژیم پهلوی. این بار آقا مصطفی چمران در کنار معترضانی قرار می‌گیرد که به حضور **نیکسون**، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در ایران اعتراض داشتند.

بعدها، مصطفی با همکاری افرادی که مسلمان‌های انقلابی بودند، انجمن اسلامی دانشجویان را در کالیفرنیا آمریکا پایه‌گذاری کرد. به دلیل همین فعالیت‌های انقلابی‌اش بود که شاه کمک‌هزینه تحصیلی شاگرد ممتازی‌اش را قطع کرد.

اما مصطفی بیدی نبود که با این بادها بلرزد! در حالی که همچنان مشغول تحصیل بود، به فعالیت‌های انقلابی‌اش ادامه داد. او مسئول و هماهنگ‌کننده گروه‌های حامی ملت فلسطین بود. بعد از جنگ اعراب و اسرائیل و شکست کشورهای عرب، به دلیل ایجاد فضای منفی گسترده علیه مسلمانان، چمران تصمیم گرفت از آمریکا خارج شود و به خاورمیانه سفر کند تا به‌طور مستقیم در تحولات جهان اسلام و مبارزه در برابر دشمنان شرکت کند. حالا دیگر خیلی از مبارزهای مسلمان و انقلابی خارج از کشور دکتر مصطفی چمران را می‌شناختند.

مبارزات شهید دکتر مصطفی چمران با آشنایی‌اش با امام خمینی (ره) وارد مرحله تازه‌ای شد. او تا پیروزی انقلاب همراه انقلابیون و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی بود. با اینکه برای چمران مهم نبود در چه مسئولیتی با ظلم و بیدادگری مبارزه

کند، اما علم و دانش و کاردانی‌اش باعث شد مسئولیت‌های زیادی، از جمله مسئولیت وزارت دفاع کشور را به او واگذار کنند. اما مصطفی که نمی‌توانست به تجاوز دشمن بعثی به کشور عزیزمان بی‌توجه یا کم‌توجه باشد، در حالی که همچنان مسئولیت‌های زیادی را به عهده داشت، مثل یک رزمنده ساده، اسلحه به دست گرفت و در جبهه‌ها با دشمن جنگید. او بارها زخمی شد و در نهایت در خرداد سال ۱۳۶۰ در خط مقدم «دهلاویه» این فرمانده نابغه و دانشمند به شهادت رسید.

بیشتر بخوانیم

شهید دکتر چمران

این کتاب سال شمار زندگی شهید دکتر مصطفی چمران است که با هدف آشنایی نوجوانان، زندگی ایشان نوشته شده است. در متن کتاب آمده است:

«هنگامی که یکی از دوستان هم کلاسی‌ام در امتحان مردود شد، آن چنان غمش بر قلبم نشست که زار زار گریستم؛ طوری که خود او ناراحت شد و مرا آرام کرد که اشکالی ندارد. ناراحت نباش.»

مؤلف: احمد دهقان
ناشر: انتشارات مدرسه
سال چاپ: ۱۳۷۹
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۰۰۳۲۴

